

چشمها و گوشها

«باند‌های اقتصادی سد راه توسعه سیاسی»

و نظام مالیاتی بها داده نشود و طبقات مولد در ایران ارج و قربی نداشته باشند و در مقابل جریان‌های رانت‌خوار و باندهای اقتصادی در نظام اجرایی و غیراجرایی کشور نفوذ کنند. از سال ۵۷ تاکنون نزدیک به چهارصد میلیارد دلار به عناوین مختلف پول به این مملکت آمده است، با این حال ربای سیستماتیک این درآمد عظیم را محو کرده است. او معتقد بود که اگر دولت خاتمی بتواند ارز را تک نرخی کند و فروش آن را در چارچوب برنامه و بودجه متوقف کند، گام بزرگی در جهت شکوفایی بخش تولید و کوتاه کردن دست باندهای رانت‌خوار برداشته است. البته اگر بتواند و اگر بگذرانند...

«نهاد مصلحت در چارچوب فلسفه سیاسی»

یکی از اصحاب تحقیق و پژوهش می‌گفت: در شرایط کنونی بسیاری از مصوبه‌های مجلس توسط شورای نگهبان رد می‌شود و به‌طور طبیعی این مصوبه‌ها به مجمع تشخیص مصلحت می‌رود. این روند را اگر بخواهیم در چارچوب مباحث فلسفه سیاسی تحلیل کنیم به این معناست که در تضاد نهاد قانون‌گذاری که مجلس باشد و نهاد مشروعیت‌دهنده که شورای نگهبان است، طرفین دعوا چاره‌ای جز رجوع به نهاد مصلحت ندارند. یعنی در واقع امر مصلحت بر قانون و شرع حاکمیت پیدا می‌کند. او می‌گفت تفکری این روند را به عرفی شدن نظام جمهوری اسلامی تعبیر می‌کند و آن را گامی در جهت خروج از یک نظام ایدئولوژیک می‌داند، اما نخله دیگری وجود دارد که چنین مسیری را یک روند طبیعی در عرفی شدن نظام نمی‌داند و آن را به یک «الیگارش» تعبیر می‌کند، «یعنی تسلط یک اقلیت متنفذ بدون نظارت اکثریت». او می‌گفت: افلاطون این نوع حکومت را طریقه سوم می‌داند که نه حکومت فردی است و نه دموکراسی! تعبیر من هم این است که اگر در تشخیص مصلحت، قانون اساسی ملاک اصلی نباشد، در چارچوب فلسفه سیاسی دچار دگرگونی‌های عمیقی خواهیم شد که یکی از نمادهای آن تغییرات بنیادی در قانون اساسی خواهد بود.

«جناح راست در دیدگاه خاتمی»

یکی از مستمعین سخنرانی آقای خاتمی در جریان بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر می‌گفت: اشاره آقای خاتمی به عناصر مثبت و عقلای جناح راست آن هم در آن جو رادیکال و تند دانشجویی از چند جنبه درس آموز است. از جمله این که رهبران یک حرکت نباید برای راضی نگاه داشتن جو عمومی از انصاف به دور افتند و مواضعی غیراصولی و غیرمنطقی بگیرند. رویکرد مثبت آقای خاتمی به عقلای جناح راست به همان اندازه پسندیده بود که او بدون وا همه از حکومت دکتر مصدق به‌عنوان یک حکومت ملی که توسط کودتا سرنگون شده نام برد. او می‌گفت اگر ما به همین توصیه شفاف قرآن عمل کنیم که تعلقات قومی و گروهی ما را به بی‌انصافی در مقابل

یکی از صاحب‌نظران در تحلیل شرایط کنونی بر این اعتقاد بود که آقای خاتمی باید توجه داشته باشد که یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های توسعه‌نیافتگی سیاسی به باندهایی برمی‌گردد که به دلیل جلوگیری از افشای سلطه آن‌ها بر جریان‌های اقتصادی از هرگونه فضای باز و مبادلات آزاد خبری ممانعت می‌کنند. او می‌گفت جریان آزاد اطلاعات در جامعه این باندها را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد و به همین دلیل است که آن‌ها به لطایف‌الحیل در مسیر توسعه سیاسی سنگ‌اندازی می‌کنند. بر این اساس پیگیری فسادهای مالی و برخورد با باندهای اقتصادی گام بزرگی در راه توسعه سیاسی و در واقع برخورد با موانع این روند است. مطبوعات نیز باید این نکته را دریابند و با متمرکز شدن بر این کار شعار مبارزه با مفاسد اقتصادی را عمق بخشند تا این شعار تبدیل به حربه‌ای برای تسویه حساب‌های جناحی و بانندی نشود.

«تزکیه درونی جنبش مدنی!»

یکی از دانشجویان به این نکته اشاره می‌کرد که شعار عدالت اجتماعی و مبارزه با مفاسد اقتصادی در دانشگاه‌ها زیاد مورد توجه جنبش دانشجویی نیست، چرا که از دید آن‌ها اولویت با بسط آزادی‌های مدنی و احیای دموکراسی است و به همین دلیل به نظر آن‌ها طرح شعار عدالت اجتماعی و مبارزه با مفاسد اقتصادی امکان دارد صف بندی موجود را مخدوش کند. او می‌گفت من مطمئن هستم که تعمیق مبارزه با رانت‌خواری و مفاسد اقتصادی می‌تواند جنبش مدنی را پالایش کند و نباید نگران از آن بود که مبادا با نقد روش اقتصادی برخی جریان‌های حامی جنبش مدنی، موجودیت این جنبش اصلاحی در معرض مخاطره قرار گیرد، زیرا اگر این روند تزکیه و پالایش به صورت جدی پیگیری شود، نقاط آسیب‌پذیری که معمولاً منجر به معامله‌های پنهانی و زدوبندهای سیاسی می‌شود و منافع ملی در پای آن قربانی می‌گردد، از بین می‌رود و اعتماد مردم نیز بیش از پیش جلب می‌شود.

«ربای سیستماتیک!»

یکی از علاقه‌مندان به پیگیری مسایل اقتصادی می‌گفت، ربای سیستماتیک اقتصاد ایران را فلج کرده است. او ربای سیستماتیک را این‌گونه تعبیر می‌کرد که فروش درآمد ارزی به دست آمده از صادرات نفت توسط نظام بانکی که حتی در بودجه سالانه منظور می‌شود یکی از عوامل اصلی تورم و بیکاری در ایران است. او می‌گفت مگر رباخوار چه کار می‌کند؟ او هم در واقع پول خود را به قیمت بالاتری می‌فروشد. وقتی دلار هفت تومان یا به تعبیری صدو هفتاد تومان به هشتصد تومان فروخته می‌شود و تبدیل به منبع درآمد دولت می‌شود، طبیعی است که به نظام تولید

جریان‌های مختلف نکشاند* یکی از اساسی‌ترین شروط شکل‌گیری جامعه مدنی محقق شده است، در غیر این صورت صرفاً با دادن شعارهای مدرن به وادی مدنیت پا نخواهیم گذاشت.

یا ایهاالذین امنوا کونوا قوامین لله شهدا بالقسط ولا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا... (مائده- ۸)

ای ایمان‌آوردگان، قیام کنیدگان برای خدا و شاهدانی بر دادگری باشید و کینه قومی شما را به بی‌عدالتی نکشاند...

«علی و اخلاص در عمل اجتماعی»

آیت‌الله خزعلی گفتند: "... حضرت علی (ع) محور حق است به طوری که حقایق به دور آن حضرت می‌گردند، نه علی به دور حقایق برای همین است که شخصیت بزرگی چون فردوسی که آثار او به ۳۰ زبان دنیا ترجمه شده، خود را خاک پای علی (ع) می‌داند... پیامبر اکرم (ص) به فرمان الهی و حتی با تهدید الهی در روز غدیر حضرت علی (ع) را به عنوان وصی خود معرفی کرد..." آفتاب یزد ۱۸ دی ماه ۱۳۸۰

علی (ع) یا در دست داشتن حکم خداوند و با وجود آن سوابق درخشان پس از رحلت پیامبر (ص) وقتی به دلایلی با استقبال مردم مواجه نمی‌شود، حاضر نیست با زور اداره امور جامعه را به دست بگیرد. آیا در شرایط فعلی سزاوار نیست که پیروان علی (ع) و طرفداران ولایت، او را اسوه‌ی خود قرار داده و به خواسته‌های یک بافت ۷۰-۸۰ درصدی مردم طی فرآیندهای ۲ خرداد ۷۶، ۲۹ بهمن ۷۸، ۱۸ خرداد ۸۰ و... توجه و تأمل بیشتری نمایند؟

«آینده‌گاز ایران»

آقای دکتریدخشان در سمینار پنجاهمین سال ملی شدن نفت ایران به این نکته اشاره کرد که ایران سرشار از مخازن گاز و عربستان سرشار از مخازن نفت است. از آن‌جا که با شیوه‌های معمولی فقط ۲۰ درصد از مخزن نفت قابل استحصال است، بنابراین چهار پنجم یا ۸۰ درصد نفت عربستان در مخازن زیرزمینی عربستان باقی خواهد ماند. یکی از راه‌های دستیابی به نفت‌های موجود در خلل و فرج سنگ‌های این مخزن‌ها، تزریق گاز طبیعی با فشار می‌باشد.

بنابراین در یک آینده‌نگری علمی، منابع گازی ایران می‌تواند خیلی ذقیمت باشد.

«امنیت به جای دموکراسی»

آقای بوش پس از واقعه ۲۰ شهریور (۱۱ سپتامبر) عنوان کرد که عاملان حمله به پنتاگون، کاخ سفید و برج‌های تجاری، دشمنان دموکراسی بودند که خواهان آنند آمریکا از دموکراسی دست بردارد.

باید توجه داشت که اگر واقعا هدف عاملان حمله آن بوده است که آقای بوش می‌گوید باید گفت که آنان در رسیدن به هدفشان کاملاً موفق بوده‌اند چرا که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر یک جابه‌جایی اضداد انجام گرفته است، بدین معنی که در خط مشی جدید آمریکا، تضاد بین امنیت و تروریسم جایگزین تضاد بین دموکراسی و دیکتاتوری شده است. این مشی جدید که در قوانین مصوب جدید تجلی نموده است، راه را برای دیکتاتوری حاکمیت آمریکا و پیوند با دیکتاتوری‌های جهان فراهم می‌نماید.

«دوام رکود در آمریکا»

بیش از ده ماه است که رکود اقتصادی در آمریکا ادامه یافته است. جنگ و میلیتاریسم و رونق گرفتن

صنایع نظامی سنگین یکی از راه‌های معمول مقابله با رکود است و به نظر می‌رسد «بوش» این راه را انتخاب کرده است. اما چون اعلام شده است که تروریسم دشمن اصلی است، در این راستا از یک سو آمریکا با چین، شوروی، پاکستان، هند و اروپا در یک ائتلاف به سر می‌برد (که این ائتلاف موجب کاهش رقابت در صنایع سنگین می‌شود) و از سوی دیگر جنگ با تروریسم به صنایع سنگین محتاج نیست. بنابراین به نظر می‌رسد آمریکا همچنان در رکود خواهد ماند.

آیت‌الله منتظری و عربستان

فرد جبهه‌رفته و زجرکشیده‌ای که خانواده‌اش بیش از ده شهید در جبهه‌های تقدیم کرده است می‌گفت: در جنگ تحمیلی چندصد هزار شهید و چند صد هزار جانباز و چند هزار مفقولات بر جای گذاشتیم. مرحوم امام گفتند اگر بتوان از صدام گذشت کرد ولی نمی‌توانیم از عربستان بگذریم. گذر زمان و بستر تحول، ایجاب نمود که با عربستان پیمان امنیتی امضا کردیم و مذاکره و گفت‌وگو با صدام نیز در سطوح بالا شروع شد.

با توجه به تأییدهای مکرر امام از آیت‌الله منتظری و با موضع صریح ایشان در نامه ۶۸/۱/۸ این پرسش مطرح می‌شود که آیا از اوجب واجبات نیست که در بالاترین سطوح موضوع حصر ایشان مطرح و محدودیت‌ها از ایشان برداشته شود تا حوزه‌ها و نظام از بینش فقهی ایشان استفاده کنند؟

«انتخاب خاتمی خطای استراتژیک بود»

یکی از صاحب‌نظران متمایل به کارگزاران معتقد است، پس از انتخاب آقای خاتمی جبهه دوم خرداد دچار غرور شد و اساساً انتخاب خاتمی کار درستی نبود زیرا نه یک فرد استراتژیست است و نه در یک پروسه استراتژیک روی کار آمده است، ضمن این که تجربه مدیریت ایشان در دوران وزارت ارشاد هم مؤید همین نظر است. این صاحب‌نظر ضعف و اشکالات جنبش دوم خرداد را این‌گونه بیان می‌کند: خاتمی فرد همه‌جانبه‌ای نیست و حتی در جریان پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای هم موفق نشد به عاملین و مسببین برسد.

خطای دیگر جنبش دوم خرداد هم این بود که به ائتلاف روحانیت پشت پا زده شد و آقای هاشمی رفسنجانی که یک روحانی روشنفکر می‌باشد، نمی‌بایست حذف می‌شد، اینک اصلاح‌طلبان به اشتباه خود در این مورد پی برده‌اند.

این نظریه معتقد است آقای خاتمی اینک به بن‌بست رسیده است و تنها برای حفظ انقلاب و نظام است که کنار نمی‌رود.

این صاحب‌نظر همچنین معتقد است بهتر بود به جای ائتلاف «مجلس - دولت»، ائتلاف «مجلس - دولت - خبرگان» تقویت می‌شد. دوم خردادی‌ها ابتدا مطبوعات را سیبل کردند، خوب، طبیعی است که مقام رهبری هم لوازم مقابله با آن را داشته باشند. در شرایط کنونی هم اصلاح‌طلبان مجلس را سیبل کرده‌اند.

ایشان می‌گویند، به نظر می‌رسد دستگیری‌های فعالان ملی-مذهبی و نهضت آزادی هم به خاطر فشار آوردن به آقای خاتمی باشد و نه این که واقعا اسناد و مدارک قابل قبولی در اثبات اتهام آن‌ها وجود داشته باشد. آقای هاشمی رفسنجانی هم در رابطه با آزادی زندانیان سیاسی فعلی نمی‌تواند فعال شود زیرا ایشان کاره‌ای نیست؛ و این آقای خاتمی است که شعار قانون‌گرایی داده است.